

گفته‌ها

در نسبت اخلاق و تکنولوژی

● **حسین شیخ‌رضایی** در نشست علمی «**چگونگی ارتباط فناوری و اخلاق**»:
بهتر است به جای تکنولوژی از نظام‌های تکنولوژیک صحبت کنیم. مثلاً واکسن یک نوع تکنولوژی است. اما این پدیده در مجموعه‌ای تعریف می‌شود. انستیتویی که آن را تولید کرده. در کنار این مساله یک سیستم پایش عمومی وجود دارد که می‌گوید در چه سنی کودکان باید واکسن بزنند و در کنار همه اینها پزشکی هستند که توصیه‌های لازم را به ما می‌کنند. پس با یک شبکه و نظام مادی روبه‌رویم. به کل این مجموعه باید گفت واکسیناسیون. منظور از نظام اخلاقی نیز نظامی است که به ما مجموعه‌ای از بایدها و نبایدها ارائه می‌دهد. گذار و حرکت ما از اخلاق دینی به اخلاق سکولار نیز پدیده‌ای است که رخ داده و نباید از آن غافل شویم. در اخلاق‌های سکولار نیاز به فرض خداوند را کنار می‌گذارند و برای تشخیص امر اخلاقی و غیر اخلاقی به امر الهی ارجاع نمی‌دهند و معتقدند خودمان می‌توانیم تشخیص دهیم. اخلاق سکولار در فضای انقلاب علمی و روشنگری شکل گرفته است. بنابراین، می‌توان تأثیر فناوری را بر اخلاق مشاهده کرد. بعد از جنگ جهانی دوم نظریه‌پردازی پیدا شدند که گفتند فناوری‌های جدید خصوصیاتی دارند که باعث می‌شود به نظام‌های اخلاقی جدید نیازمند باشیم. هانس یوناس یکی از این متفکران از شاگردان هایدگر است. او معتقد است به دلیل تکنولوژی‌های نوین کنش‌های انسانی گستره بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. به اعتقاد او نظام‌های اخلاقی ویژگی‌های اساسی داشتند که امروز تمامی آنها دگرگون شده‌اند. مثلاً اینکه تکنولوژی خشتی است و نمی‌تواند تأثیری بر اخلاق داشته باشد. یا اینکه اخلاق زمانی معنا می‌یابد که انسان با دیگری مواجه باشد و این دیگری به معنای انسان دیگر است. یوناس اصلی را پیشنهاد می‌کند به نام اصل مسئولیت و می‌گوید چنان عمل کن که نتایج اعمال تو با دوام زندگی انسانی سازگار باشد.

طبیعت نیز دارای حقوق اخلاقی است. پرسش اساسی اینجااست که آیا می‌توان با نظام‌های اخلاقی سابق برای تکنولوژی تصمیم گرفت یا به نظام‌های اخلاقی جدید نیاز داریم؟ متفکری به نام وینر چند مثال مطرح می‌کند. او می‌گوید معماری در آمریکا پارکی طراحی کرده که در آن پله‌هایی وجود دارند به صورت عمودی و با ارتفاع پایین. به این دلیل که اتوبوس می‌توانند به برخی از قسمت‌ها وارد شوند. اتوبوس وسیله نقلیه‌ای است که ففرا از آن استفاده می‌کنند. وینر می‌گوید این معمار به دلیل تمایلات نژادپرستانه این کار را انجام داده. مثال دیگر وینر تکنولوژی هسته‌ای است. می‌گوید برای داشتن نیروگاه هسته‌ای باید کشور شما از لحاظ امنیتی در سطح بالایی باشد. چون امکان خرابکاری و ضرررساندن به مردم از طریق این تکنولوژی زیاد است. مثلاً گروه‌هایی تصمیم بگیرند از این تکنولوژی سوءاستفاده کنند. تفاوت این مثال با مثال قبل در ذات تکنولوژی است. در مورد دوم ذات تکنولوژی واجد ویژگی تخریب است. مثال دیگر گوشی‌های موبایل هوشمند است. این تکنولوژی به‌شدت مرکزگرای است و به‌سریعت تمام شهروندان را تبدیل به خبرنگار می‌کند. به عقیده وینر نظام‌های تکنولوژیک اقتضائاتی دارند. بخشی از این اقتضانات قطعا اخلاقی‌اند. برخی با دیدگاه‌های وینر مخالفند و معتقدند نگاه ذات‌گرایانه به تکنولوژی غلط است. تکنولوژی همچنین تصور ما از خودمان را عوض کرده که در نتیجه این مساله، اخلاق نیز دگرگون می‌شود. به‌عنوان مثال آزمایشی وجود دارد که نشان می‌دهد قبل از اینکه ما تصمیم به انجام کاری بگیریم مغز ما فرمان آن را صادر کرده. این آزمایش نشان می‌دهد ما انسان‌ها اراده و اختیار نداریم بلکه توهم آن را داریم. مثال دیگر این است که امروزه تکنولوژی‌های تصویربرداری از مغز به ما نشان می‌دهند هر یک از قسمت‌های مغز مسئول چه اعمالی هستند. یکی از این قسمت‌ها احتمالاً مربوط به تصمیمات اخلاقی ماست. اگر این تکنولوژی به من نشان دهد این قسمت من بزرگ‌تر از فرد دیگری است آن وقت است که می‌بینیم تکنولوژی به ما یک تصور جبری می‌دهد و به این نتیجه خواهیم رسید که برخی اعمال از حوزه اخلاق جاست و در حوزه آتاتومی و زیست‌شناسی قرار دارد. بنابراین دیدگاه‌های مختلف درباره تأثیر تکنولوژی بر اخلاق به چند دسته تقسیم می‌شود. گروهی که معتقدند تکنولوژی‌های جدید نیازمند نظام‌های اخلاقی متفاوت و کل‌گراانه هستند. گروهی که معتقدند تکنولوژی‌ها درون خود ذاتی دارند و نظمه‌ای اجتماعی را حاکم می‌کنند که نتایج اخلاقی دارند. گروه دیگر نیز می‌گویند اخلاق نیز امری مادی و زمینی است در نتیجه تصور ما از اخلاق عوض می‌شود. اما درباره تأثیر اخلاق بر تکنولوژی نکته اول این است که تکنولوژی امکانات جدیدی در اختیار ما می‌گذارد و این امکانات پرسش‌های جدیدی پیش می‌کنند. مثال رایج این نکته تکنولوژی‌های پزشکی است. بسته به تصمیم اخلاقی ما از برخی از این تکنولوژی‌ها استفاده خواهیم کرد و از برخی استفاده نخواهیم کرد. نکته دیگر ملاحظات اخلاقی در فرایند ساخت تکنولوژی است. مثلاً ما می‌توانیم قوانینی وضع کنیم تا انجام یک‌سری کارها در مرحله ساخت یک تکنولوژی ممنوع شود. گروهی دیگر نیز برساخت‌گراها هستند که می‌گویند اثرات، تفسیر و کاربرد تکنولوژی همه و همه در یک بافت اجتماعی ساخته می‌شوند. این‌گونه نیست که در ذات تکنولوژی باشند و بر ما تحمیل شوند.

منبع:مهر

اندیشه

کتابی متفاوت و اتفاقی «خطیر»

فریدون مجلسی



گروگان گرفته بودند، به خاطرات کارتر اشاره می‌کند که گفته بود بارها به سادات تعهد کتبی داده بود که اسرائیل را وادار به پذیرش قطع‌نامه ۲۴۲ و بازگرداندن سرزمین‌های اشغالی و بازگشت به مرزهای قبل از ۱۹۶۷ و تشکیل دولت فلسطین خواهد کرد... و به نظر یزدی «معلوم می‌شود که چرا اسرائیل نمی‌خواست کارتر مجدداً انتخاب شود...».

عزیزی در صفحه ۲۲۷ می‌گوید «با وجود شرایط نه چندان یسامان کشور در آن ایام و در شرایطی که زخمی این‌چنین دردناک به مدت ۴۴۴ روز به حال خود رها شده و در حال خونریزی بود، تقارن آزادی گروگان‌ها با زمان دقیق دست‌به‌دست‌شدن قدرت در آمریکا...» و زخمی آن‌چنان دردناک! شاید طنز سیاه حادثه برخورد موشک ساخت شوروی عراقی و سقوط هواپیما و مرگ وزیر خارجه الجزایر باشد که میانجی مذاکرات گروگان‌گیری بود و عزیزی با تیم اعزامی دولت به پاسگاه محل حادثه می‌رود و نفرات پاسگاه صف می‌ی‌دندند و فرمانده با ادای احترام جمله گزارش کلیشه‌ای خود را ادا می‌کند. سپس آنها را به محل وقوع «اتفاق بسیار مهم» سقوط هواپیما و اجساد وزیر خارجه الجزایر و همراهان می‌برد. بی‌شکامی که در مهمانی کاخ وزارت امور خارجه در گفت‌وگو با معاون وزارت خارجه پاکستان اتهام صدور انقلاب به کشورهای منطقه را رد می‌کند و دیپلمات پاکستانی با لیخند تابلوی خط نستعلیق پشت سر عزیزی را نشان می‌دهد و به فارسی برایش می‌خواند «ما انقلاب خود را به همه جهان صادر خواهیم کرد».

و سرانجام هنگامی که از بازنشستگی زود هنگام سخن می‌گوید و اینکه «در خرداد ۱۳۸۴ و تکیه احمدی‌نژاد بر صندلی صدارت که در حوزه سیاست خارجی ادبیاتی تا حدی ناهنجار و مواضعی تند و افراطی داشت. با همین لحن و موضع، مناسبات کشورمان را با جهان غرب مختل و توسعه اقتصادی کشور را کند کرد، حتی به عقب برد و بر شمار دشمنان کشور نیز افزود». احساس می‌کنم که آن سوی دیوار و این سوی دیوار همچون دوران جوانی و دانشجویی چگونه دوباره یکدیگر را درک می‌کنند!

بخش پایانی کتاب درباره «فزونی من» و زندگی نوجوانی و وقایع آن شیرین است. اما متن سیاسی و قابل استناد و تاریخی کتاب خصوصاً مسئله حساس گروگان‌گیری و مسائل تشریفاتی در دیدارهای سیاسی و دیپلماتیک که ضمناً گویای برخی زمینه‌های انقلاب و تحولات فکری و اجتماعی متعاقب آن است، بسیار جالب و خواندنی و بیش از این قابل بحث و تحلیل است. چند روز پیش کلیبی در شبکه‌های اجتماعی از مصاحبه ترامپ ۳۴ساله پخش شد که در آغاز گروگان‌گیری اعتراض می‌کرد که چرا کارتر با یک حمله نظامی کار را پایان نمی‌دهد؟ نزدیک به برخی از مواضع کنونی او. اما کارتر کشتنی هواپیمابر هم اعزام کرد. اما وقتی دستیارانش به بهترین بهانه برای توقیف نقدینگی ۱۳میلیارددلری ایران و مظلومیت‌بخشیدن به چهره ظالمانه آمریکای پس از ویتنام اشاره کردند، نقد را به نسبه ترجیح داد و اگر ترامپ هم جای او بود قطعاً آن نقد را به واکنش نظامی ترجیح می‌داد.

روزهای بحرانی حکایت از همسویی شاید مصلحت‌آمیز و همرنگ‌شدن شعاردهندگان با جماعت دارد. جالب است که اشغال سفارت بدون آگاهی امام صورت گرفته و ایشان پس از آگاهی آن را تأیید می‌کند، اما تدریجاً ترجیح می‌دهد که حلو‌فصل آن را به مجلس واگذارد و مجلس به جای اقدامی سریع و فوری، موضوع را به دولت احاله می‌دهد که نه در انجام و ادامه آن کار اقتدار و نفوذی داشته است و نه در پایان‌دادن به آن.

حتی وقتی قرار می‌شود عزیزی را با دیپلماتی خارجی برای دیدار گروگان‌ها بپرد آن‌را با چشم بسته در پشت وانتی که کف آن پتو انداخته بودند به محل نگاهداری گروگان‌ها می‌برند. عزیزی در صفحه ۲۰۵ صریحاً می‌نویسد: «پس از گذشت بیش از ۳۰ سال از این ماجرا اما، هنوز آن‌طور که باید نظرها و دیدگاه‌ها درباره این اتفاق به صورت شفاف در معرض افکار عمومی قرار نگرفته است. به هر دلیل، مباحثی شفاف و همگانی صورت نگرفته و بسیاری از وجوه این مسائل، از منظر عمومی، در پرده ابهام باقی مانده‌اند».

عزیزی در پاورقی صفحه ۲۰۶ با اشاره به زمانی که دبیر شورای عالی امنیت ملی بوده است، درباره ادامه تظاهرات پرانت از مشرکین در عربستان، از قول رئیس سازمان حج و زیارت آن زمان از تفاوت و تعارض نظرانی که شرکت‌کنندگان در جلسات به‌طور علنی ابراز می‌کردند با آنچه در خلوت می‌گفتند ابراز شکفتی می‌کند. ذکر نکته‌ای از قول اصغرزاده از دانشجویان گروگان‌گیر در صفحه ۲۹۱ جالب است که می‌گوید «گروگان گروگان‌ها شدید!» تا سرانجام همچون جنگ عراق با مصلحت‌اندیشی شخص امام پایان یافت....

«سرانجام مجلس در نشست ۱ مهر ۱۳۵۹ اعضای کمیسیون ویژه رسیدگی به مسئله گروگان‌ها را انتخاب کرد... گزارش این کمیسیون نیز یک ماه بعد یعنی یک سال پس از ماجرای اشغال سفارت آمریکا بود و در شرایطی که آغاز جنگ ایران و عراق بر پیچیدگی ماجرا افزوده بود... تصویب شد. مصوبه‌ای که قانون محسوب نمی‌شد، نه طرح بود و نه لایحه، نه مهر شورای نگهبان را داشت و نه رئیس مجلس آن را به رئیس‌جمهور ابلاغ کرده بود... و مستقیماً از کمیسیون به رئیس‌جمهور ابلاغ شد... دولت شهید رجایی نیز تا زمان دریافت این مصوبه با ماجرای گروگان‌ها پیوندی نداشت. برای جلب است از محل نگاهداری آنها مطلع نبود...» نویسنده در زیرنویس صفحه ۲۳۸ با یادآوری مصاحبه مرحوم دکتر یزدی با ماهنامه مهرنامه و روایتی از مرحوم صادق طباطبایی درباره مذاکرات ایشان با آمریکایی‌ها و پذیرفتن شرایط ایران... و اینکه دانشجویان فقط برای سه روز آنها را

 شتای عمر	
 برگه‌های خاطرات سیاسی احمد عزیزی	
چاپ اول: ۱۳۹۶	
ناشر: نی	
قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان	



در باب دوستی

جایی و با فروافتادن یک اولویت تأمین شود ولی نکته جالب از نظر او اینجااست که مذاهب و ادیان از دیرباز در راه بنانهادن جامعه دوست‌محور با ایده عفو از عدالت ترمیمی هزینه کرده‌اند و در دنیای متجدد امروز طلیعه ظهور چنین نگرش‌هایی در حوزه سیاسی، آن‌هم در فضاهای نامأنوس بروز کرده است. نویسنده معنی‌شناسی دوستی از حیث فلسفی و اخلاقی را مقدمه مهمی برای گام ضروری بعدی یعنی نهادهی‌کردن دوستی در همه ساختار زندگی اجتماعی می‌داند و برای این منظور در درآمد به بخشی از مقاله سیدحسین نصر در کتابی با عنوان «دوستی بین ادیان و فرهنگ‌ها: زیربنای دوستی بین تمدن‌ها» اشاره می‌کند: «تا زمانی که بشر از آلودگی محیط زیست و به ویژه از آلودگی هوا در رنج و تعب و بیماری نیفتاده بود، سخن از اهمیت توجه به حفظ محیط زیست نه در محافل علمی و نه در اذهان عام چندان جلب توجه نمی‌کرد. مساله دوستی نیز مانند هوا چنان به زندگی روزمره همه آدمیان نزدیک بوده است که تا آثار فتور در آن مشاهده نشود کسی به فکر پژوهش علمی و آسیب‌شناسانه آن نمی‌افتد.»

امثال داعش و طالبان و بوکوحرام و افراطیون یهودی و مسیحی و لائیک، بشر را به سوی دوزخ رهنمون است.» (ص ۹) نویسنده هدف خود را از جمع‌آوری این مقالات و آماده‌سازی کتاب انتقال مفهوم دوستی و کاربرد آن از محدوده روابط خصوصی و احساسی به ساخت آزاد و گسترده روابط مدنی، سیاسی، بین‌المذاهب و بین‌المللی می‌داند و همچنین بیان این حقیقت که عدالت نه تنها نقطه شروع تعاملات جمعی و جهانی است که نقطه کمال آنهاست. به اعتقاد نویسنده تمدن ایرانی-اسلامی دربردارنده منابع نهادهی بسیار غنی برای گسترش دوستی بین فرهنگ‌های بزرگ بشری است و ادبیات فارسی می‌تواند و باید جهان خسته از خشونت و تشنه دوستی را سیراب کند. مدعای کتاب «دوستی به مثابه جهان‌بینی» پارادایم اخلاقی و فلسفی متعالی‌تری است که در عین قبول ضرورت دین اخلاقی، به سراغ خود نظام‌های اخلاقی می‌رود و به جای اینکه دوستی را



دوستی به مثابه جهان‌بینی

محمدجعفر امیرمحلّاتی
ناشر: هرمس
چاپ اول: ۱۳۹۶
قیمت: ۲۸۰۰۰ تومان

مروار

فیلسوفان و مهندسان

● به‌تازگی کتاب «گره‌گشایی به شیوه فیلسوفان و مهندسان» از علی‌پایا با‌عنوان‌فرعی «مجموعه‌مقالاتی در باب علم و تکنولوژی و سیاست‌گذاری» منتشر شده است. تقریباً همه مقالات این مجموعه بازنشر مقالات یا گفت‌وگوهای پیشین نویسنده و برخی نیز به‌صورت مقالاتی مستقل و ناظر به مسائلی خاص نوشته شده‌اند. تعداد اندکی از مقاله‌ها نیز نقد مقالات نویسندگان دیگر است. نخستین مقاله از بخش اول به موضوع «علم و نقادی» اختصاص دارد که در قالب گفت‌وگویی مکتوب به رابطه علم و نقد می‌پردازد و پاسخ‌ها عموماً برای مخاطبانی نوشته شده‌اند که با همه مباحث فلسفی مربوط به علم آشنایی دارند. دومین مقاله شامل گفت‌وگویی است حول محور تفکر انتقادی و رابطه آن با عقلانیت نقد. آخرین مقاله بخش نخست مجموعه کنونی نیز با عنوان «ملاحظات نقادانه درباره تأثیرات متقابل علم، فناوری و جامعه»، باز هم در قالب یک گفت‌وگو پیش‌تر منتشر شده و ناظر است به شماری از مهم‌ترین مسائل در قلمرو علم و فناوری و اجتماع.

نخستین مقاله در بخش دوم مجموعه که شامل مباحث مربوط به «تکنولوژی» است «ارزایی فلسفی و دلالت‌های سیاست‌گذارانه تأثیرات چهارمین موج توسعه علمی و فناوریانه بر فرهنگ و جامعه؛ ملاحظات نقادانه علانیت نقاد» نام دارد. این مقاله هم که قبلاً منتشر شده بر این نکته تأکید دارد که ارزایی نقادانه تحولات اجتماعی و بررسی تأثیرات متقابل عواملی که در صحنه حیات آدمی، احوال و شیوه زیست افراد و جوامع را شکل می‌دهند، از دغدغه‌های اصلی آن‌دسته از متفکران معاصر است که تلاش می‌کنند از ابزارهای نظری برای راهگشایی در حوزه‌های عملی بهره بگیرند. دومین مقاله بخش «تکنولوژی» که بازنشر مقاله‌ای با عنوان «ملاحظات نقادانه درباره توسعه تکنولوژی» است با اندکی بسط و گسترش در این مجموعه بازنویسی شده. سومین مقاله این بخش نیز گفت‌وگویی است در بررسی دو کتاب نویسنده. چهارمین و پنجمین مقالات از آنچه بخش دوم مجموعه حاضر را تشکیل می‌دهد، مربوط است به بحث درباره چسبیتی و کارکردهای مهندسی. مقاله چهارم بر این نکته تأکید دارد که تفکر مهندسی، تفکری ناظر به حل مسائل عملی است و این تفکر، ضرورتاً نظاممند است. پنجمین مقاله در این بخش با عنوان «در قوت‌ها و ضعف‌های مهندسی و تأثیر آن در علوم انسانی و اجتماعی» با بحث از چسبیتی مهندسی به ارزایی نقادانه جایگاه معرفت‌شناسانه مهندسی و تعیین حدود و تغیر تقریبی محدوده‌ای می‌پردازد که مهندسی را اولا از علوم جدا و ثانیاً در میان انواع فناوری‌ها می‌مناز می‌کند. آخرین مقاله در بخش ششم به بررسی یک نمونه از «تکنولوژی دینی» اختصاص دارد. هدف این مقاله که با عنوان «ارزایی نقادانه امکان‌پذیری تکنولوژی دینی: نمونه تکنولوژی فرقه آمیش» همچون مقالات و گفت‌وگوهای پیشین در این کتاب بازنشر شده‌اند، ارزیابی ظرفیت، کارآمدی، تنوع و انحصاری‌بودن تکنولوژی‌هایی است که در یک فرهنگ دینی و بر اساس آموزه‌های خاص آن فرهنگ رشد می‌کند. برای این منظور، تکنولوژی‌هایی که فرقه مسیحی آمیش ابداع کرده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است. بخش نخست این مقاله شامل توصیفی نسبتاً مبسوط و از دیدگاهی کاملاً همدلانه درباره تکنولوژی آمیش است و در بخش دوم، دستاوردهای تکنولوژیک آمیش‌ها مورد ارزیابی نقادانه قرار گرفته است.

سومین بخش مجموعه‌مقالات حاضر به مباحث مربوط به «سیاست‌گذاری» در قلمرو علوم و تکنولوژی‌ها اختصاص دارد. در نخستین مقاله این بخش با عنوان «آیا الگوی توسعه ایرانی- اسلامی دست‌یافتنی است؟»، اندیشه مربوط به طراحی و تدوین الگویی «ایرانی- اسلامی» برای دستیابی به توسعه که مدتی است در کشور مطرح شده ارزیابی نقادانه می‌شود. استدلال اصلی مقاله این است که با توجه به اینکه همه الگوهای توسعه در زمره تکنولوژی‌ها قرار می‌گیرند و همه تکنولوژی‌ها به طرف و زمینه‌ای که در آن به کار گرفته می‌شوند، حساسند و علاوه‌براین، حامل ارزش‌هایی هستند که طراحان و نیز به‌کاربرندگان در آنها به ودیعه می‌گذارند، تکمیل و تدوین یک «الگوی ایرانی-اسلامی توسعه» به‌مثابه یک «تکنولوژی نویم» به‌طورکلی امکان‌پذیر است، اما نکته مهمی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که چنین الگویی، جز در برخی جزئیات با دامنه محدود، با نقدی است که در مقاله‌ای در دیگر کشورها برای توسعه به کار گرفته شده‌اند، تفاوت چندانی نخواهد داشت. مقاله دوم بخش سوم به گفت‌وگوی مکتوبی اختصاص دارد. سومین مقاله این بخش نیز ناظر به سیاست‌گذاری در حوزه علوم انسانی و اجتماعی با نگاهی آسیب‌شناسانه است. چهارمین مقاله بخش سوم با عنوان «آیا دستیابی به نوآوری، تابع قاعده است؟» نقدی است بر مقاله‌ای که دو همکار دانشگاهی پایا، علی کرمانشاه و آرش موسوی، با عنوان «تغییرات مفهومی در مسیر ظهور رویکرد نظام‌های نوآوری» نوشته‌اند. آخرین مقاله در مجموعه حاضر نیز ارزیابی نقادانه‌ای از تحریر چهارم، پیش‌نویس سند «نقشه جامع علمی کشور» است. این مقاله که قبلاً در «فصلنامه توسعه تکنولوژی صنعتی»، منتشر شده، توضیحات مختصری درباره مفاد و مضمون فناوری نرمی است که تولید و تدوین «نقشه راه» نام دارد.

گره‌گشایی به شیوه فیلسوفان و مهندسان/ علی پایا/ انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی